

تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری مطالعه موردی: نواحی شهر خرم آباد

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۲۰

کد مقاله: ۵۴۹۳۴

علیرضا سیاف زاده^{۱*}، فاطمه احمدی^۲

چکیده

یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته مسکن و توسعه پایدار آن است. در این میان شهر خرم آباد که در چند سال اخیر با افزایش بی‌رویه جمعیت روبرو شده است، دچار توسعه نامتقارن در ابعاد متفاوت گردیده که نتیجه آن عدم توجه به اصول معماری پایدار در ساخت و ساز واحدهای مسکونی است. هدف از این مطالعه، سنجش وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری است؛ تا از این رهیافت، به یک نوع سطح بندی پایداری اجتماعی مسکن در نواحی یاد شده، منجر گردد. روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی بود. نتایج بدست آمده از آزمون تی تک نمونه‌ای نشان می‌دهد، ابعاد پایداری مسکن در بعد اجتماعی دارای شرایط پایدار نیستند. و ارزیابی صورت گرفته در بین شاخص‌های پایداری اجتماعی نشان داد؛ شاخص‌های قابلیت دسترسی، امنیت و مسئولیت پذیری بالاتر از حد نصاب و میانگین بود. و نشان از وضعیت بهتر این شاخص‌ها نسبت به سایر شاخص‌ها بود. همچنین نتیجه آزمون کروسکال والیس نشان داد وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد دارای تفاوت معناداری می‌باشد. در ادامه برای سنجش وضعیت هر ناحیه از لحاظ پایداری اجتماعی مسکن از میانگین رتبه‌ها؛ که با توجه به نتایج بدست آمده و اطلاعات میدانی که در ۵ گروه تقسیم بندی شد؛ گروه اول که شامل نواحی ۴، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۸ می‌باشند، دارای امکانات از هر لحاظ هستند. دسترسی‌ها، امنیت، تعلق خاطر بیشتر نسبت به محل سکونت خود، توزیع عادلانه کاربری‌ها و ... در این نواحی به خوبی نسبت به سایر نواحی صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، شاخص‌های پایداری اجتماعی، مسکن، نواحی شهری، خرم‌آباد

۱- استادیار دانشگاه پیام نور (sayafalireza@yahoo.com)

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گرایش برنامه‌ریزی مسکن

با وقوع انقلاب صنعتی تحولات عظیمی در شهرنشینی به وجود آمد که به تبع آن بیشترین سکنه کشورها در شهرها سکنی گزیدند (موج اول شهرنشینی). ادامه این روند (اندازه و سرعت شهرنشینی شتابان معاصر) به حدی بود که از هزاره سوم میلادی به عنوان هزاره و موج دوم شهرنشینی یاد می کنند. بنابراین روند شهری شدن زود هنگام جهان واقعیتی گریزناپذیر است. اما بخش عمده این افزایش جمعیت متعلق به شهرهای کشورهای در حال توسعه است. همسن امر مسئله تامین سرپناه و مسکن را در این کشورها به یک بحران جدی و مشکلی در مقیاس جهانی تبدیل کرده است (دارایی، ۱۳۹۶: ۵). و آینده‌ی در حال ظهور این شهرها تا حد زیادی بستگی به این امر دارد که آیا مسکن شهری در قالب ساختمان‌های آراسته قرار می‌گیرد یا در شکل ساختمان‌های غیرقابل تحمل و پناهگاه‌های متزلزل؟ مسکن تعیین‌کننده‌ی روابط متقابل بین انسان و محیط فیزیکی و فضای اجتماعی (Un-Habitat, World Cities Report, 2016: 47-52) و واز مهم‌ترین نیازهای اساسی انسان است. این نیاز از ابتدای تاریخ سکونت تا حال حاضر نقش مهمی در شرایط زیستی انسان‌ها ایفا نموده؛ و هرروز بر اهمیت آن افزون می‌شود (Kim and et al, 2003: 26). مسکن به مثابه واحد تسهیلات فیزیکی یا به عنوان کالایی اقتصادی و پر دوام که نقش اجتماعی یا جمعی نیز دارد، چونان مجموعه‌ای از خدمات و بخشی اقتصادی است (Bourne, 1981: 14). و افزون بر اینها مشتمل بر رفع نیازهای مالی، به عنوان نمایش مقام و وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد نیز هست (Cater and Trevor, 1980: 38).

همچنین مسکن مناسب برای زندگی بیش از یک سقف و چهار دیوار می‌باشد. که می‌توان آن را چنین تعریف کرد، مکان و جایی که از حریم خصوصی محافظت کند و به سلامت روانی، جسمی و فیزیکی کمک و باعث توسعه و یکپارچه‌سازی اجتماع ساکنان و محلی امن و ایمن برای زندگی با شرایط دسترسی به امکانات اولیه و خدمات حیاتی از قبیل حمل‌ونقل، خدمات بهداشتی، آموزشی، اجتماعی و تفریحی و... دسترسی داشته باشد (Xavier Bonnefoy, 2007: 414). با توجه به تعریف کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل (ICESCR)، مسکن مناسب مسکنی است با امنیت تصدی، دسترسی به خدمات، امکانات و زیر ساخت‌های اولیه با مواد و مصالح مناسب و بادوام که با توجه به توان مالی افراد و شرایط فرهنگی و اجتماعی هر جامعه‌ای در مکانی مناسب احداث گردیده است (شاه‌رخ‌فر، ۱۳۹۵: ۲). همچنین در تمامی تحقیقات دانشگاهی به بعد روانی و اجتماعی اهمیت مسکن، به دلیل ایمنی، راحتی، ثبات، رفاه و توانمندسازی خانواده‌ها اذعان شده است (Easthope, H, et al, 2015: 150). بنابراین دسترسی به مسکن مناسب پیش‌شرطی است برای برخورداری از سایر جنبه‌های حقوق بشری، از جمله حق کار، بهداشت، امنیت اجتماعی، حفظ حریم خصوصی، آموزش و پرورش و... (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2014: 9).

یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته مسکن و توسعه پایدار آن و همگام با آن توسعه انسانی است. در چنین استراتژی استفاده بهینه از منابع و امکانات، بدون تباهی آنها مدنظر قرار می‌گیرد (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹۱). در این میان، نقش شهر و نواحی شهری به طور مستقیم و شهرسازی و ساخت فیزیکی آن به طور غیر مستقیم و سهم آن‌ها در ناپایداری موجود، به سرعت توجه جدی محافل علمی و حکومتی و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. توصیه‌ها بر این است که شهرها باید به عنوان نقاط و کانون‌های اصلی برای حل مشکلات جهانی و دستیابی به توسعه پایدار استفاده شوند (بزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۷). نکته مهمی که در اسناد دومین اجلاس اسکان بشر بدان توجه شده است، اهمیت نقش اسکان پایدار و تأمین مسکن مناسب برای مردم در روند توسعه است (بسحاق و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک شناختی، آب و هوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه و طراحی مسکن در مکان‌های مختلف تأثیر گذارند (Sendich, 2006: 185).

بنابراین مسکن پایدار عبارت است از مسکنی که از لحاظ اقتصادی متناسب، از لحاظ اجتماعی قابل قبول، از نظر فنی و کالبدی امکان پذیر و مستحکم و سازگار با محیط زیست باشد (Charles, 2007: 3). پایداری اجتماعی در واحدهای مسکونی وضعیتی است که ساکنان از زندگی در خانه خود رضایت داشته باش و از همسایگی با سایر ساکنان لذت برند. در این وضعیت، مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می‌شود و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می‌یابند. بنابراین ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن بوده، در نگهداری و بهبود وضعیت موجود مشارکت و هماهنگی خواهند داشت. در این صورت عمر مفید واحدهای مسکونی پایدار نسبت به سایر واحدها بیشتر می‌شود (ضرغامی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). البته باید در نظر گرفت که کیفیت زندگی در سکونت‌گاه فراتر از داشتن یک سقف بالای سر افراد و مقدار فضای کافی زندگی و امثال آن هست و باید رضایت روانی و اجتماعی افراد را به دنبال داشته باشد (Karuppannan and Sivam, 2009: 3)؛ در این میان شهر خرم آباد که در چند سال اخیر با افزایش بی‌رویه جمعیت روبرو گردیده است. دچار توسعه نامتوازن در ابعاد متفاوت گردیده که نتیجه آن عدم توجه به اصول معماری پایدار در ساخت و ساز و بالاخص در طراحی واحدهای مسکونی به وضوح قابل مشاهده و لمس است. بی‌توجهی به بافت‌های فرهنگی و اجتماعی، مسائل اقلیمی، توپوگرافی، اقتصاد مردم،

مسائل جغرافیایی، دوام و پایداری خانه‌ها، و .. که همگی از اصول دست‌یابی به معماری پایدار می‌باشند. موجبات عدم آسایش و حس سرزندگی در بین ساکنان واحدهای مسکونی شده است.

بر مبنای مسئله فوق، هدف از این مطالعه، پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد است که سعی شده تا با توجه به گستردگی و پیچیدگی مفهوم مسکن بطور خاص و ویژه ای وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد مورد تحلیل قرار گیرد؛ تا از این رهیافت، به یک نوع سطح بندی پایداری اجتماعی مسکن در نواحی یاد شده منجر گردد زیرا با نگاهی اجمالی‌تر به بخش مسکن در این شهر می‌توان شاهد وجود شکاف قابل توجهی میان نواحی این شهر بود. و به نظر می‌رسد وضعیت ناحیه های شهر خرم آباد در برخورداری از شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن نامتعادل بوده و اختلاف زیادی در این زمینه وجود دارد. و در آخر نیز می‌توان ناحیه های برخوردار و محروم را مشخص کرده و ناحیه برتر از لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مسکن را مشخص نمود. که می‌تواند تا حد زیادی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب در زمینه توسعه و محرومیت‌زدایی و برقراری عدالت اجتماعی یاری رساند.

۲- سوالات تحقیق

- وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در شهر خرم‌آباد چگونه است؟
- پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری، شهر خرم آباد چگونه ارزیابی می‌شود؟

۳- مبانی نظری

در طول تاریخ حیات بشر، مسکن همواره به عنوان نیاز پایه‌ای بشر مطرح بوده است. چنانکه در مجمع عمومی سازمان ملل، مسکن مناسب و امن را حق پایه‌ای و حیاتی انسان برای ایجاد زندگی انسانی مطرح می‌کنند (Mahbubpur, 2002: 273). افراد در قالب مسکن نیازهای مختلف زیستی خود را برآورده می‌سازند. همچنین مسکن محیطی است که در آن خانواده تشکیل و تداوم پیدا می‌کند. این کالای بادوام، ضروری و حساس در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و بهداشتی در زندگی انسان نقش بازی می‌کند. در بسیاری از موارد، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر میزان رضایت‌مندی فرد از سکونت در محله، مسکن و شرایط محیطی آن است (Westaway: 2006: 187). اهمیت مسکن باعث شده که در زمان‌های مختلف در جهت بهبود مسکن برنامه‌ریزی‌هایی صورت گیرد و چه بسا انتخاب برنامه صحیح در زمینه مسکن به روند توسعه کشورها کمک کرده باشد (قادر مرزی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۴). هدف آرمانی برنامه‌ریزی مسکن، تهیه مسکن مناسب از نظر نوع، قیمت، اندازه، امنیت در تصرف برای هر خانواده با تمام امکانات مناسب درونی و بیرونی در یک محل مناسب است (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۲). عوامل اقتصادی، سبک معماری، زبان بومی منطقه، گرایش‌های سبک‌شناختی، آب‌وهوا، جغرافیا و آداب و سنن محلی در توسعه برنامه‌ریزی و طراحی مسکن در مکان‌های مختلف تأثیرگذار هستند (Sendich. 2006: 185). این موارد نشان‌دهنده گستردگی مطالعات در بخش مسکن است. گسترده بودن قلمرو مطالعات مسکن و برنامه‌ریزی برای آن باعث شده است که از دیدگاه‌های گوناگون از جمله معماری، فنون احداث بنا، تأسیسات بناهای مسکونی، هزینه زمین و ساختمان، اعتبارات مسکن و ... مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال آنچه در مطالعات جغرافیایی (برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای) مورد بررسی قرار می‌گیرد، شناخت وضع موجود و برنامه‌ریزی مطلوب برای رفع نیاز به واحدهای مسکونی و مقدار زمین مورد نیاز آن در شهرها و سکونت‌گاه‌هاست. از نظر شهرسازی مسکن باید در بهترین اراضی ساخته شود و از نظر کیفی، مسکن می‌بایست نیازهای مرتبط با خود را برطرف نماید. از همین رو، بررسی مسائل کیفیت مسکن در کنار سایر مسائل، از موارد اساسی در برنامه‌ریزی مسکن است (سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۳).

ارزیابی کیفی وضعیت مسکن پیش از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۳۸ میلادی، با مطرح‌شدن قلمرو خصوصی و کیفیت واحدهای همسایگی، آغاز شد. این ارزیابی شامل ارتفاع بنا، زمین‌بازی کودکان، محل استقرار بنا، هماهنگی میان خانه و بستر محیطی و وضعیت بهداشتی آن می‌شد؛ همچنین، به کیفیت هوا، وضعیت ظاهری محلات، نقشه‌ی خیابان‌ها و خدمات عمومی توجه شد (Ha & Weber, 1991: 65). پس از جنگ جهانی دوم، به تدریج علاوه بر موضوع مسکن در بخش کالبدی، سایر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و محیطی مسکن مدنظر قرار گرفت. با آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، ارزش‌های محیطی در محیط‌های مسکونی - که اصلی‌ترین زیستگاه در شهرهای متراکم‌اند - اهمیت بیشتری پیدا کردند (گروسی، ۱۳۹۵: ۴). لذا امروزه به محیط مسکونی از ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در برنامه‌ریزی مسکن توجه می‌شود (Oktay & Orcunoglu, 2007: 7) و پژوهش در مورد مسکن علاوه بر مطالعه‌ی ابعاد فیزیکی، جنبه‌های ساختاری، عملکردی و هویتی محیط مسکونی را در برمی‌گیرد (Mohit, 2010: 3). بنابراین با توجه به تأثیر زیاد مسائل فرهنگی - اجتماعی در بعد مسکن، شناخت اصول پایداری، لازمه دست‌یابی به بحث مسکن پایدار می‌باشد (گلابچی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). اصطلاح "پایداری" به عنوان اصولی برای راهنمایی واکنش‌های عمومی و خصوصی رایج و آینده به کار می‌رود؛ که بر شرایط زیست محیطی،

اقتصادی و اجتماعی اثر می‌گذارد. علاقه به ارزیابی پایداری شهری از اواخر ۱۹۹۰ افزایش یافته است. پایداری یک سیستم شهری می‌تواند به طور گسترده به عنوان توسعه شهری و جریان‌هایی تعریف شود که بتواند نیازهای رایج را بدون تباهی، توانایی‌های تفکر نسل‌های آینده برآورده سازد. امروزه نوع نگاه در توسعه شهری این است که شهرها هر اندازه امکان دارد باید با محیط زیست طبیعی سازگار باشند و در حفظ تعادل چرخه طبیعی حیات عمل کنند. به عبارت دیگر، شهرها باید به سوی پایداری گام بردارند و به توسعه پایدار شهری توجه نمایند. موضوع پایداری در سال‌های اخیر بخش وسیعی از ادبیات شهرسازی را به خود اختصاص داده است. در این میان، شهرها به عنوان مصرف‌کننده و توزیع‌کننده اصلی کالاها و خدمات تبدیل به نقاط کانونی بحث پایداری شده‌اند. شهر پایدار و توسعه یافته شهری است که در حین رشد، توسعه و ایجاد فضاهای جدید، ارتباط منطقی و منسجم بین فضاهای جدید و قدیم برقرار نموده و یکپارچگی و هویت شهر را حفظ و تقویت نماید (خواجه شاهکویی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

خلید الحقل^۱ هفت مؤلفه پایداری در جوامع را نام می‌برد که یکی از آن‌ها مسکن است (Hagla, 2009, 162). در واقع مسکن و کیفیت آن از جمله مهم‌ترین عوامل در گسترش مفهوم توسعه پایدار در شهرها و محلات شهری هست؛ در همه نظریات مرتبط با پایداری مسکن، ابعاد اجتماعی - فرهنگی همواره از مهم‌ترین مؤلفه‌های موثر در شکل‌گیری مسکن پایدار محسوب می‌شوند. تناسب مسکن با سبک زندگی، و شیوه‌های اجتماعی و اقتصادی ساکنان، طراحی خانه‌های مسکونی برای ایجاد زمینه - تعاملات اجتماعی، میزان دسترسی به مراکز آموزشی - فرهنگی و ...، احساس تعلق به مکان، روابط اجتماعی، امنیت اجتماعی و ایمنی ساکنان از مهم‌ترین ویژگی‌های مسکن پایدار است (مسعودی راد و ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۵۳). از این رو، مسکن از مفهوم تک ساحتی خویش دور شده و عواملی همچون تأثیرات محیطی و اقلیمی، دوام و انعطاف پذیری خانه‌ها، فعالیت‌های اقتصادی و ارتباط آنها با اقتصاد در سطحی بالاتر، بافت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع و تأثیر مسکن بر کاهش فقر، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی نیز در زمره ابعاد مهم مسکن قرار گرفته‌اند (مسعودی راد و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۴۸). یکی از رویکردهای نوین مطالعه مسکن، سنجش جنبه‌های گوناگون مسکن در قالب شاخص‌های پایداری مسکن و بالاخص پایداری اجتماعی مسکن است. بنابراین خانه مناسب و شایسته برای انسجام اجتماعی، رفاه شخصی و استقلال فردی امری اساسی به شمار می‌رود. در صورتی که خانه‌سازی، روند پایداری نداشته باشد، هیچ جامعه‌ای نخواهد توانست به توسعه پایدار دست یابد. پایداری اجتماعی در مسکن، وضعیتی است که ساکنان از زندگی در خانه خود رضایت داشته باشند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت برند. در این وضعیت، مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می‌شود و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می‌یابند. بنابراین ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن بوده، در نگه‌داری و بهبود وضعیت موجود مشارکت و هماهنگی خواهند داشت (سرحانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲). این نکته قابل ذکر است که فضای پایدار به لحاظ اجتماعی باید در کنار تقویت جریان زندگی، کیفیت آن‌را نیز بهبود بخشد. این موضوع خود منجر به ایجاد جریان‌هایی می‌گردد که در آن انسان‌ها به مصرف‌کنندگانی آگاه و ناظرانی دائمی تبدیل خواهند شد. همچنین پایداری اجتماعی یا همان حفظ سرمایه اجتماعی هزینه کار با یکدیگر و همکاری را کاهش می‌دهد و با به وجود آوردن اعتماد از هزینه مبادله می‌کاهد و فقط مشارکت منظم در جامعه و جامعه مدنی قوی (شامل حکومت) است که می‌تواند چنین وضعی ایجاد کند. به طور کلی پایداری اجتماعی زمانی حاصل می‌شود که معماری و شهرسازی شرایطی را برای برقراری فرهنگ و روش زندگی انسانی و صحیح افراد در کنار یکدیگر فراهم کند تا بدین ترتیب به بهبود سطح کیفی زندگی کمک کرده و موجبات تعاملات و مشارکت‌های هر چه بیشتر افراد جامعه را رغم بزندان (صمیمی فر و حمزه نژاد، ۱۳۹۱: ۲).

پایداری اجتماعی را اینچنین تعریف می‌کند: «پایداری اجتماعی شهر الزاما ارتباطی با پایداری زیست محیطی و اقتصادی شهر ندارد هر چند که گاهی این ارتباط موجود است پایداری اجتماعی با سرزندگی، وحدت و همبستگی، حس تعلق به مکان بین ساکنین شهر شناخته می‌شود (Knox and pinch, 2000: 388). پایداری اجتماعی بدین معناست: بهبود شرایط زندگی در جوامع و ایجاد یک روندی که جوامع بتوانند به این شرایط برسند (McKenzie, 2004: 12). پایداری اجتماعی، به مفهوم توانمند کردن همه گروه‌ها، برای بهره‌مندی از نیازمندی‌های ضروری، شامل دستیابی به سطح معقول و منابعی از آسایش، در واقع تقسیم عادلانه فرصت‌ها را در زمینه سلامتی و تحصیلات مورد توجه قرار می‌دهد (Assefa a Frostell, 2007 : 64-65). اما مفهومی که در سال‌های اخیر در رابطه با پایداری اجتماعی مطرح شد و در روش‌های جدید سنجش و ارزیابی عملکرد سازمان‌ها، مانند روش ردپای پایداری اجتماعی مک‌الروی و همکاران (۲۰۰۷)، نیز به کار رفته، اصطلاح خط پایین سه‌گانه است که اولین بار توسط جان ال‌کینگتون در سال ۱۹۹۷ مطرح شد اما به سرعت گسترش یافت. معنی این اصطلاح آن است که امکان دستیابی به سطح مطلوبی از پایداری اقتصادی، اجتماعی یا زیست محیطی (به طور جداگانه) بدون دستیابی به حداقل سطوح اساسی از هر سه شکل پایداری به طور همزمان وجود ندارد. هرچند در، این مفهوم هر سه جزء تشکیل دهنده توسعه پایدار ارزش یکسانی

برخوردار است اما در عمل تجربیات بسیاری از کشورها و سازمان‌ها نشان داده است که مرکزیت حوزه اقتصاد همچنان حفظ شده و مخصوصاً مؤلفه‌های اجتماعی در حاشیه قرار دارند، زیرا این تصور که علوم اجتماعی حمایت‌کننده بخش اقتصاد و محیط زیست است همچنان حفظ شده است. یکی از علل کاستی در این زمینه عدم شاخص‌سازی اصولی پایداری اجتماعی و عدم تبیین صحیح جایگاه این عنصر در ارتباط با سایر اجزاء توسعه پایدار است. با اینکه در رویکردهای جدید تلاش شده پایداری اجتماعی نه به عنوان یک عنصر در کنار عناصر دیگر بلکه عنصری دخیل و ممزوج در کلیه عناصر شامل اقتصاد، فرهنگ، محیط زیست و سیاست دیده شود. اما این دیدگاه‌ها نیز در ابتدای راه قرار داشته و احتیاج به تصریح و تبیین دارند. یکی از نظریات جامعه‌شناسی که در بسط مفهومی پایداری اجتماعی نقش داشته نظریه نیازهای اساسی است. بر اساس این نظریه که اولین بار مازلو آن را مطرح کرد، نیازهای انسان در یک سطح فردی به صورت پله‌کانی از پایین به بالا جریان دارد به این صورت که با رفع نیازهای سطح پایین، نیازهای سطح بالاتر آشکار می‌گردند. انتقادی که به این نظریه در سطح عملی وارد است پایین آوردن سطح توسعه به بهبود شرایط حداقلی و تأمین نیازهای صرفاً اقشار ضعیف می‌باشد. انتقاد دیگر در رابطه با ابهام مفهوم نیازهای اساسی در این رویکرد است که تبیین مصادیق آن را با مشکل مواجه می‌سازد. باین حال افرادی سعی کرده‌اند این ابهام را بازگشایند، از جمله ناگل (۱۹۸۵) برای نیازهای اساسی دو بعد مادی و غیرمادی قائل شده است. ۱- نیازهای اولیه مادی شامل غذا، سرپناه، پوشاک، آب آشامیدنی، خدمات بهداشتی، مراقبت‌های پیشگیری از بیماری، آموزش. ۲- نیازهای اولیه غیرمادی شامل رضایت از فرصت‌های شغلی، مشارکت در تصمیمات محلی، مشارکت در قدرت سیاسی، آزادی سیاسی، برابری فرصت‌های اقتصادی، تضمین حقوق اولیه انسانی.

نظریه دیگری که در تکوین مفهوم پایداری اجتماعی نقش داشته نظریه سرمایه اجتماعی است که جامعه‌شناسانی مانند پاتنام (بارویکرد انتخاب عقلانی) و بوردیو (با رویکرد طبقه) آن را بسط داده‌اند. این نظریه مبتنی بر این ایده است که سرمایه اجتماعی می‌تواند سنجشی از یک منبع ثروت در بعد اجتماعی پایداری باشد. در اینجا، بعد اجتماعی به عنوان یک عامل تولید در نقش تولید اجتماعی ادراک می‌شود و سرمایه اجتماعی، واقعی، انسانی و طبیعی همگی عوامل مکمل تولیدند. رویکرد دیگر، نظریه کارکردگرایی ساختاری است که مفهوم پایداری را با توجه به پیش‌نیازهای کارکردی جامعه برای حفظ و استمرار در خود بسط داده است. الگوی مورد استفاده در این رویکرد، نظریه نظام‌های اجتماعی پارسونز است که در آن سیستم‌های اجتماعی برای دستیابی به اهداف بیرونی خود از ابزار انطباق استفاده نموده و برای ثبات درونی خود از ابزار حفظ الگو (انسجام) استفاده می‌کنند (سرخانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸-۷). در پایان می‌توان گفت: تأمین مسکن و سرپناه از نیازهای اولیه هر انسانی است. اما در سال‌های بعد از انقلاب صنعتی تأمین این نیاز انسان با توسعه روزافزون شهرنشینی موجب از بین رفتن طبیعتی می‌شود که تأمین نیازهای آیندگان در گرو وجود و پایداری آن است. و از آنجا که تحقیقات انجام گرفته در زمینه پایداری مسکن در مقایسه با تحقیقات صورت گرفته در سایر زمینه‌های مرتبط با مسکن بسیار اندک می‌باشد. بسیاری از تحقیقات صورت گرفته نیز به یک‌الی دو دهه گذشته مربوط می‌شود. با این حال هیچ‌یک از پژوهش‌های صورت گرفته، به بررسی پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم‌آباد نپرداخته‌اند. در اینجا به تعدادی از تحقیقات صورت گرفته اشاره شده است.

جدول ۱: پیشینه تحقیق (مأخذ: نگارندگان)

نویسنده(گان)	سال	موضوع	نتایج
کولیوند	۱۳۹۰	تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه پایدار اجتماع نمونه موردی دارآباد تهران	نویسنده در تحقیق خود که با روش توصیفی-تحلیلی و میدانی انجام شد به بررسی بهبود ساختار فضایی محله و شناخت وضع موجود محله بویژه در بعد اجتماعی و شناخت گروه‌های ساکن در محله پرداخته و در آخر به ارائه راهبردی مبتنی بر پذیرش تنوع فرهنگی و ایجاد تداوم سرمایه اجتماعی در جهت ایجاد وفاق و همبستگی بین ساکنان می‌پردازد.
طهماسبی	۱۳۹۱	نقش فضاهای عمومی در پایداری اجتماعی شهر	نویسنده در تحقیق خود که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و میدانی انجام شده، با اشاره به نقش فضاهایی عمومی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در کیفیت محیط شهری، و در برنامه توسعه شهری به عنوان ضرورتی مهم و بدلیل فقدان پارک‌ها و فضاهای عمومی در مرکز شهر با تجزیه و تحلیل پرسش‌ها به این نتیجه رسید بین ویژگی‌های محل سکونت ساکنین، میزان استفاده از فضای عمومی رابطه قابل مشاهده نیست. و همچنین به افزایش میزان رضایتمندی افراد از فضاهای عمومی باعث افزایش حس تعلق آنان می‌شود.

نویسنده(گان)	سال	موضوع	نتایج
سلطانی و علیخانی	۱۳۹۳	کیفیت سنجی پایداری در مسکن ارزان قیمت (نمونه موردی: مسکن مهر دولت آباد - کرمانشاه)	این مقاله به شیوه مطالعات اسنادی و تحقیقات میدانی به روش تحلیلی توصیفی سعی بر واکاوی مسئله ساخت مسکن ارزان قیمت و تاثیرات آن بر شهر و زندگی ساکنان این مسکن و بافت شهری اطراف آن داشت، و به عنوان نمونه مورد مطالعه مسکن مهر دولت آباد کرمانشاه را مورد بررسی قرار داد. و به این نتیجه دست یافت که: پروژه مسکن مهر دولت آباد اگرچه در دستیابی به اهداف بخش اقتصادی عملکرد مناسبی داشته، اما در دستیابی به دو هدف مهم دیگر یعنی اهداف اجتماعی و زیست محیطی نتوانسته به خوبی عمل کند، به طور کلی نتوانسته نقش خود را در این زمینه به شکل مؤثری ایفا کند، و به این دلیل مطلوب ارزیابی نمی شود.
یارمرادی	۱۳۹۴	تحلیل پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی منطقه ۲۲ تهران	هدف این تحقیق چارچوبی مناسب برای برنامه ریزی مجتمع های مسکونی جهت ارتقای تعلقات اجتماعی و کیفیت سکونت و دستیابی به شاخصهای توسعه پایدار اجتماعی را پیشنهاد کند. روش مطالعه در این پایان نامه توصیفی- تحلیلی بود که، بر اساس نتایج تحقیق دسترسی به زمین، تعاونی های مسکن و غیره موجب هدایت سازمان ها و ارگان های دولتی، نظامی و غیره به این منطقه شده است و در پرسشنامه مربوط به ساکنین، نتایج تحقیق نشان داد که زندگی در مجتمع های مسکونی علاوه بر افزایش امنیت و کاهش هزینه های عمومی زندگی موجب کاهش حس تعلق به مکان و انزوا و بیگانگی شده است.
یوسف زاده بکاولی و صباغ پور	۱۳۹۵	بررسی عوامل موثر بر پایداری اجتماعی و نقش آن در طراحی توسعه پایدار	هدف تحقیق این بود که با بررسی رویکرد پایداری اجتماعی و طراحی فضاهای معماری گامی در جهت توسعه پایدار برداریم. این مطالعه بر اساس فرآیند مطالعاتی و کتابخانه ای انجام پذیرفته و نتایج پژوهش بیانگر آن بود که شاخص های اجتماعی چگونه منجر به طراحی پایدار و در نتیجه توسعه پایدار می شود.

۴- روش تحقیق

پژوهش حاضر هدفی کاربردی دارد و نوع تحقیق توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از دو روش کتابخانه‌ای اسنادی و از روش پیمایشی همچون مشاهده، پرسشنامه استفاده شده است. با بررسی و مطالعه مقالات، کتب، متون علمی، اسناد و... اطلاعات موردنیاز درباره موضوع پژوهش تهیه گردیده است. با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال شناسایی شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد است؛ با استفاده از اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای- اسنادی و همچنین متون و مقالات علمی داخلی و خارجی به شناسایی و تعریف این شاخص‌ها نموده‌ایم.

جامعه آماری تحقیق ساکنان محدوده مورد مطالعه هستند که بر اساس فرمول کوکران با توجه به جمعیت شهر خرم‌آباد ۳۸۶ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شده است. شیوه نمونه‌گیری افراد مورد مطالعه، استفاده از نمونه‌گیری تصادفی بوده است. ضمناً برای تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه نرم افزار هار آماری و تحلیلی چون SPSS, GIS, ARC و Excel به کار گرفته می‌شود. و از روش آماری، آزمون تی تک نمونه ای و آزمون کروسکال والیس استفاده شده است.

۴-۱- متغیرها و شاخص‌ها

اندازه‌گیری و ارزیابی پیشرفت در سیاست‌های توسعه پایدار در دهه‌ی اخیر مورد توجه پژوهشگران بوده است. در این زمینه استفاده از شاخص‌ها یکی از ضروری‌ترین ابزارها برای ارزیابی میزان پیشرفت به سوی توسعه پایدار مد نظر بوده‌اند. هر جامعه متناسب با شرایط خود از چارچوب‌های خاصی استفاده می‌کند که شامل چارچوب‌هایی مبتنی بر اهداف پایداری، فرایندهای توسعه پایدار است. یکی از چالش‌های ارائه‌ی جوامع پایدار، مشکل شناسایی شاخص‌های مناسب برای اجرا می‌باشد (جمعه پور و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۱۵). تاکنون شاخص‌ها و معیارهای مختلفی برای ارزیابی و سنجش اصول پایداری اجتماعی مسکن صورت گرفته است اما باید موارد و جنبه‌هایی را انتخاب کرد که در راستای تعاریف و مفاهیم پایداری اجتماعی هستند. بنابراین در پژوهش حاضر برای سنجش پایداری اجتماعی در ناحیه‌های شهر خرم آباد، پرسشنامه‌هایی در سطح نواحی (با توجه به میزان جمعیت هر کدام از نواحی به تفکیک توزیع گردیده است) تکمیل گردیده‌اند که بدین منظور، از هشت متغیر قابلیت دسترسی، حس تعلق به مکان،

اعتماد اجتماعی، امنیت، مشارکت اجتماعی، مسئولیت پذیری، عدالت، و میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی جهت بررسی پایداری بافت‌های مختلف شهر استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری این شاخص‌های کیفی، با طرح گویه‌های متعدد، سطح پایداری اجتماعی در ناحیه‌های مورد بررسی سنجش شده که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۲: شاخص‌های تحقیق

رضایت از کیفیت واحد مسکونی	عدالت	مسئولیت پذیری	مشارکت اجتماعی	امنیت	اعتماد اجتماعی	حس تعلق به مکان	قابلیت دسترسی
میزان رضایت از مصالح واحدمسکونی و دوام ساختمان	تعمیل به پذیرش مسئولیت در مدیریت محل	میزان رضایت از مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی و فضاهای عمومی	تا چه حدی نفاقت فضای شهری از سوی شهروندان رضایت می‌شود.	امنیت تردد زنان و کودکان	فراهم نمودن محیط داخلی برای ایجاد حس صمیمیت و شکل‌گیری روابط اعضای خانواده با هم، یا همسایه‌ها و خویشاوندان	مشارکت در امور عمرانی محل زندگی	قابلیت دسترسی به فضای سبز و پارک‌ها و مراکز خرید به شکل پیاده روی
میزان رضایت معماری داخلی و بیرونی واحد مسکونی واحد مسکونی	احساس مسئولیت نسبت به همسایگان	فاصله اثاثیه و مبلمان شهری با محل سکونت	تا توجه کافی شهرداری به نفاقت فضاهای شهری	عدم وجود فضاهای متروکه و رها شده	میزان ارتباط و صمیمیت با همسایگان	علاقه به ادامه حضور در محل سکونت و اجتماع و دیدار همسایگان	قابلیت دسترسی رضایت‌مندی از هزینه‌های سفرهای درون شهری و راه‌های ارتباطی
کیفیت و کیفیت فضاهای داخلی شامل فضاهای اصلی و فضاهای سرویس دهنده و فضاهای مشاع خارج از ساختمان	احساس مسئولیت نسبت به حفظ و نگهداری محل زندگی	میزان رضایت از تأسیسات زیر بنایی در نزدیکی محل سکونت	تعمیل برای ارتقا کیفیت فضاهای شهری، داوطلبانه مشارکت مالی یا غیر مالی (مثلا تلاش در جهت حفظ و نگهداری بهتر فضا)	امنیت در مقابل سرقت از منزل و ورود افراد غریبه در محله مسکونی	میزان ارزیابی همکاری برای حل مشکلات محله مسکونی را به چه	مناسب و سازگار بودن محل زندگی با سبک زندگی	قابلیت دسترسی به مراکز بهداشتی - درمانی و مراکز آموزشی
تأثیر مهاجرت بر ساخت و سازهای غیراصولی مسکن		رضایت از توزیع مکانی تجهیزات محله ای	مشارکت مطلوب کاربران دائمی فضاهای شهری در حفظ نگهداشت و ارتقا آن	وجود فضاهایی مبنی بر تجاوز یا عدم اعتنا به حقوق جمعی شهروندان	میزان اعتماد به همسایگان و ارتباط اجتماعی	احساس تعلق و دلبستگی به محله مسکونی و مناسب بودن واحد مسکونی با زمینه فرهنگی	قابلیت دسترسی به مناطق گردشگری و توریستی و مراکز خرید

رضایت از کیفیت واحد مسکونی	عدالت	مسئولیت پذیری	مشارکت اجتماعی	امنیت	اعتماد اجتماعی	حس تعلق به مکان	قابلیت دسترسی
میزان آراش در واحد مسکونی		استفاده از فضاهای شهری محل زندگی در زمان های مختلف	کمک به سازمان های شهری از برای مشارکت در حفظ و نگهداری بهتر فضاها	وضعیت نظارت و مراقبت از فضاهای عمومی از سوی نهادهای مسئول		عقیده مثبت در مورد محل زندگی و تأمین نیازها	قابلیت دسترسی به مراکز ارتباطی از جمله ICT، دفاتر پیشخوان خدمت و خدمات الکترونیکی و خودپردازها
میزان رضایت از سیستم های فاضلاب واحد مسکونی			تلاش برای رفع مشکلات همسایگان	حضور نیروی انتظامی در ایجاد نظم و امنیت	فراهم نمودن فضاهای داخلی مسکن تا چه اندازه فرصت برقراری کنش و واکنش اجتماعی	احساس ناآرامی در صورت انتقال محل زندگی به مکانی دیگر	قابلیت دسترسی به مجتمع های فرهنگی - هنری و فضاهای ورزشی و مراکز تفریحی و گذران اوقات فراغت و سینما و تئاتر
میزان رضایت از نمای ساختمان (المان های بصری)			روشنایی معابر			وجود حس همسایگی بین ساکنین محل و تمایل به همکاری در فعالیت های همجاری در سطح محله	قابلیت دسترسی به حمل و نقل عمومی و محل کارو پارکینگ های محله ای
میزان رضایت از نوع سوخت و سیستم گرمایش				احساس امنیت در هنگام استراحت در داخل پارک و رفتن به مراکز خرید		احساس تعلق به محل زندگی و میزان سازگاری آداب و رسوم محله ای با اعتقادات و تفکرات مردمی	قابلیت دسترسی دسترسی به دواير دولتی و رضایت از توزیع فضایی آنها
کیفیت مسکن در مقابل بلایای طبیعی				تأثیرات وجود خرده فرهنگ های مختلف در ایجاد ناامنی محل زندگی		ارتباط میان احساس تعلق به مکان و مشارکت مردمی با افزایش میزان رضایتمندی	قابلیت دسترسی به مراکز آموزش عالی از جمله دانشگاه ها و موسسات دولتی و خصوصی

رضایت از کیفیت واحد مسکونی	عدالت	مسئولیت پذیری	مشارکت اجتماعی	امنیت	اعتماد اجتماعی	حس تعلق به مکان	قابلیت دسترسی
میزان کیفیت مسکن از نظر آسایش و راحتی و رضایت از متناسب بودن تعداد اتاق				وجود تسهیلات لازم برای کاهش خطر برخورد پیاده با سواره در فضاهای		زندگی اجتماعی / مبتنی بر اعتماد و روابط همسایگی صمیمانه، تعلق خاطر به محیط در مسکن	قابلیت دسترسی به مراکز مذهبی (مساجد، حسینیه و...) و سرای محله به شکل پیاده وری

مأخذ: نگارندگان

۲-۴- آزمون t تک نمونه ای

جهت مقایسه هر کدام از عوامل داخلی سازمان با مقدار متوسط از آزمون t تک نمونه ای (One Sample T test) استفاده می‌کنیم. آزمون های آماری پارامتری برای یک گروه زمانی به کار می روند که قصد داشته باشیم میانگین یک نمونه را با یک میانگین مفروض و نظری مقایسه کنیم. این میانگین مفروض یا نظری می تواند یک مقدار معمول یا رایج، یک مقدار استاندارد و یا یک مقدار مورد انتظار باشد. به عبارتی، زمانی که قصد داشته باشیم میانگین یک متغیر در پژوهش را با یک میانگین تعیین شده مقایسه کنیم از آزمون t تک نمونه ای بهره می گیریم (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۲۲). در این آزمون ما میانگین نمونه را با مقدار ۳ که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار می دهیم. چنانچه میانگین هر کدام از عوامل بیشتر از مقدار ۳ باشد و دارای اختلاف معنی داری با این مقدار تعیین شده باشد ($P > 0.05$). نشان از این دارد که عامل مدنظر بر انتخاب استراتژی مناسب موثر است. همچنین لازم به ذکر است که متغیرهای پژوهش چون ترکیبی از چند سوال هستند تسامح به عنوان متغیر فاصله ای در نظر گرفته شده اند. برخی معتقدند که در مواردی که چند متغیر ترتیبی با هم ترکیب می شوند و مقیاسی برای یک مفهوم انتزاعی ساخته می شود می توان آن ها را با تسامح مقیاس فاصله ای در نظر گرفت (نایی، ۱۹: ۱۳۸۸).

۳-۴- آزمون کروسکال والیس

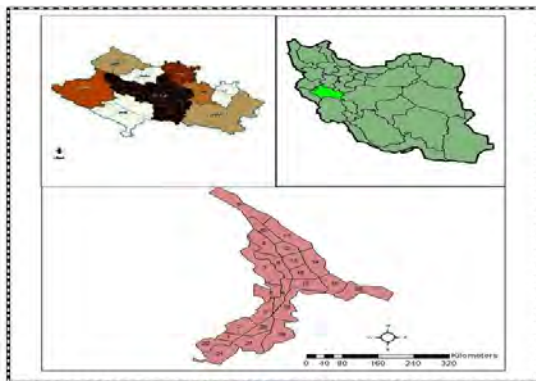
برای مقایسه میانگین یک متغیر کمی نرمال در بیش از دو گروه، از تحلیل واریانس استفاده شد، به عبارت دیگر برای مقایسه میانگین زمانی تحلیل واریانس قابل استفاده بود که پیش فرض های تصادفی بودن نمونه در گروه ها، حداقل فاصله ای بودن متغیر وابسته، نرمال بودن توزیع داده ها در هر یک از گروه ها و همگنی واریانس داده ها در گروه ها برقرار باشد. در موقعیت های عملی ممکن است که انحراف جدی در پیش فرض های مورد بررسی وجود داشته باشد. در این موارد نیاز است که راه حل های جایگزین برای حل مسئله را مورد استفاده قرار داد. یکی از پیشنهاد های اساسی که در بحث تحلیل واریانس استفاده از تبدیل داده ها (برای متغیر وابسته کمی) است. ولی استفاده از تبدیل نیز نرمال شدن توزیع داده ها و یا همگنی واریانس آن ها را تضمین نمی کند. همچنین ممکن است متغیر وابسته به صورت رتبه ای ارزیابی شده باشد. در این صورت برای مقایسه بیش از دو جامعه از معادل ناپارامتری تحلیل واریانس، یعنی آزمون کروسکال والیس استفاده خواهد شد (اصغری جعفرآبادی و محمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۳). به عبارتی اگر بخواهیم در مورد نمونه های گرفته شده از k جامعه قضاوت کنیم از آزمون «H» که گاهی آن را آزمون «کراسکال» و «الیس» می نامند، استفاده می کنیم. همچنین بر مجموع رتبه های مشاهدات مبتنی و شبیه به تحلیل واریانس است. با این تفاوت که نیازی به نرمال بودن ندارد (جمالپور و ثقفی، ۱۳۹۱: ۳۸). این آزمون در حقیقت تعمیم آزمون U برای مقایسه K جامعه است. به عبارت دیگر، در این آزمون فرض برابر میانگین های K جامعه را آزمون می کنیم. این آزمون نیز بر مجموع رتبه های مشاهدات استوار است. این آزمون به تحلیل واریانس شبیه است. با این تفاوت که به فرض نرمال بودن جامعه ها نیازی نبوده و به جای استفاده از خود، داده ها، از رتبه آنها استفاده می کند (نصیری، ۱۳۸۸: ۲۶۶).

۵- محدوده مورد مطالعه

شهر خرم آباد در موقعیت جغرافیایی ۴۸ درجه و ۲۱ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۴۳ دقیقه عرض جغرافیایی در جنوب غرب ایران قرار دارد. این شهر به عنوان مرکز استان لرستان، بزرگترین شهر لر نشین و از مهمترین شهرهای غربی کشور، به جهت استقرار در مسیر راه های ارتباطی استان های همجوار لرستان از قدیم الایام برای اسکان عشایر و طوایف مختلف ایلات این منطقه مورد استفاده بوده و به علت سکونت عشایر و یکجانشینی آنان شمار جمعیت شهر را با ازدیاد فراوان روبرو ساخته است. همچنین به

سبب قرار گرفتن بر سر شاه راه تهران ° خوزستان دارای اهمیت ارتباطی و راهبردی می‌باشد. جمعیت این شهر طبق سالنامه آماری استان لرستان در سال ۱۳۹۴، ۳۵۴۸۵۵ نفر می‌باشد.

نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهر خرم آباد (مأخذ: ترسیم نگارندگان)



۶- یافته‌ها

خرم‌آباد مرکز استان لرستان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است که پیشینه شهرنشینی آن با نام شاپور خواست به دوران پیش از اسلام بر می‌گردد. این شهر در فاصله ۴۸۰ کیلومتری جنوب غربی تهران و در میان دره‌ای خوش آب و هوا با درختان انبوه و جویبارهای پر آب واقع شده است. همچنین به سبب برخورداری از پیشینه کهن و جاذبه‌های طبیعی فراوان یکی از شهرهای توریستی ایران است. بستر شهر خرم‌آباد در دره‌ای واقع گردیده که رودخانه رباط جاری از شمالی به جنوب از میانه آن می‌گذرد، کوهستانهای سترگ سفید کوه و سیاه کمر چون دیواره‌ای رفیع واقع در دو سمت شرق و غرب آن، این دره را در میان گرفته و هر گونه گسترش را در این جهات محدود کرده است. هسته نخست شهر در کنار مراکز حکومتی و به طور خاص قلعه فلک الافلاک شکل گرفته و دارای جغرافیای کوهستانی و ناهموار است. شکل‌گیری شهر نیز تحت تأثیر عوامل جغرافیایی صورت گرفته است. به این ترتیب که هر کجا دره‌ای که خرم‌آباد در آن شکل گرفته عرض بیشتری داشته و شیب بافت مسکونی کم است. و هر کجا عرض دره کم شده است. شهر نیز تحت تأثیر آن باریک و کشیده شده است. بنابراین این ساختار فیزیکی و ویژگی‌های مورفولوژی بستر محیطی، توسعه شهر را بصورت خطی و به طور عمده در جهت شمال و جنوب و در بستر عرصه‌های مسطح و وسیع این مناطق هدایت نموده است. این اراضی همچنان از جاذبه‌های قوی جهت توسعه شهر و بالاخص توسعه مسکونی برخوردار است. بویژه آنکه در محور شریانی فعال شمالی ° جنوبی که این مناطق را به مرکز شهر مرتبط می‌سازد، کیفیت و جاذبه اراضی و عرصه‌های واقع در شمال و جنوب شهر را افزایش داده است که در مجموع می‌تواند بعنوان یکی از گزینه‌های گسترش احتمالی آتی شهر در صورت نیاز ارزیابی گردد. ولی کشاورزی بودن اراضی این مناطق نقطه ضعف این گزینه است.

این شهر به دلیل مواجه بودن با شرایطی همچون نرخ بالای جمعیتی، مهاجرت‌های روستا شهری، ایفای نقش مرکزیت خدمات اداری و سیاسی، اجرای سیاست‌های تمرکزگرا، کمبود اراضی مسکونی و قیمت زیاد زمین و مسکن، هرم سنی جوان، افزایش زوج‌های جوان به عنوان متقاضیان مسکن و... با مشگر کمبود مسکن مواجه بوده است. همچنین از دیگر مشکلات این شهر فرسودگی بافت‌های مسکونی آن است به طوری که شهر خرم‌آباد دارای ۲۸ محله فرسوده با مساحت تقریبی ۲۷۰ هکتار است که در آنها ظرفیت‌های مثبت و منفی زیادی وجود دارد که اگر از فرصت‌های مثبت آن استفاده نشود به ناچار باید منتظر تهدیدات این مکان‌ها در ابعاد مختلف شد. به عبارت دیگر یکی از مشکلات شهرهای قدیمی چون خرم‌آباد وجود بافت‌های فرسوده در کالبد و بخش مرکزی آن است. که اکثر بافت‌های فرسوده در بخش مرکزی شهر و در لایه‌های درونی شهر واقع شده‌اند. که این مشکل فقط به قدیمی بودن بافت و ضرر شخصی یک یا عده‌ای از مردم مختص نمی‌شود. و اگر در مدیریت شهری آن اقداماتی برای ساماندهی این مکان‌ها انجام نشود، خود به خود آغاز کننده سلسله مشکلات دنباله‌دار از قبیل، تهدیدات، اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی، زیست محیطی و امنیتی شهر خرم‌آباد هستند و در مقابل بافت فرسوده نیز می‌تواند فرصتی مناسب برای باز آفرینی فضای شهری و سامان دادن به طرح و شیوه ساخت و ساز شهر باشد. بافت فرسوده خرم‌آباد ۷ درصد مساحت قانونی شهر است که مساحت کمی را شامل نمی‌شود. اکثریت بافت قانونی شهر خرم‌آباد به علت محصور شدن از طرف شمال، جنوب، شرق و غرب دارای محدودیت زمین است و در امتداد رودخانه شهر شکل گرفته است. این شهر با مساحت قانونی ۳۴۷۵ هکتار، دارای ۲۸ محله و نقطه فرسوده با مساحتی نزدیک به ۲۶۰ هکتار است که نسبت بافت فرسوده به کل مساحت شهر نزدیک ۷ درصد است. این بافت‌ها دارای مشکلات ساختاری هستند که مهم‌ترین آنها شامل، فرسودگی مصالح، برخورداری نامناسب از

خدمات شهری، عدم دسترسی مناسب وسایل ماشینی به دلیل تنگ و باریک بودن کوچه ها، عدم وجود فضای سبز و بازی کودکان، کمبود فضاهای ورزشی و فرهنگی، کمبود فضاهای درمانی، وجود کوچه هایی با شیب بسیار تند مانند سایت پشته، عدم وجود پارکینگ های عمومی، پایین بودن کیفیت زندگی در بافت، در آمد پایین اهالی محل است. که همه این کمبود خدمات و امکانات نشان از نبود پایداری اجتماعی در این محلات است. زیرا این کمبودها خود سبب به وجود آمدن مشکلاتی مانند، تهدید زلزله، ترافیک داخل بافت، مهاجرت اهالی بومی و با اصالت محل به بیرون بافت، احساس کمتر تعلق اجتماعی نسبت به محل زندگی، نارضایتی مردم از شهر و خدمات شهری و .. می شود.

در کنار این مسائل رشد مهاجرت روستاییان به بافت های فرسوده به دلیل ارزان بودن قیمت مسکن، مشکل فقر، پدید آمدن بعضی آسیب های اجتماعی مانند، دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشکلات دیگر، از دیگر تهدیدات این فضاهاست. البته باید در نظر داشت این محله ها دارای بعضی نکات مثبت نیز هستند که می توان به عنوان یک فرصت برای اصلاح طراحی و شیوه ساخت و ساز بافت از آن استفاده کرد. ریزانگی، نفوذ ناپذیری و عدم پایداری سه شاخصه اصلی بافت های فرسوده محسوب می- شوند. در این مکان ها یکی از تهدیدات این است که، خانه های موجود در بافت فرسوده به حال خود رها شوند و اگر زودتر ساماندهی نشوند به دلیل داشتن ظرفیت منفی، مثلا در بعد اجتماعی به صورت خودکار هزینه های امنیتی جایگزین بهای عمرانی برای آن ها می شود. علاوه بر مشکلات بافت های فرسوده در شهر یکی دیگر از این مشکلات وجود اسکان غیر رسمی و افراد کم درآمد در حاشیه شهر است که به علت شرایط و موقعیت خاص جغرافیایی (وجود سرما در فصل زمستان) امکان زاغه نشینی و کپر نشینی همانند بعضی از شهرهای دیگر کشور وجود ندارد، لذا اکثریت ساکنین مناطق حاشیه نشین اقدام به ساختن خانه های آجری و مصالح ساختمانی ارزان قیمت می نمایند.

بطور کلی و بر اساس مطالعات انجام شده ، حاشیه نشینان خرم آباد از چند گروه تشکیل شده اند: ۱- کسانی هستند اهل شهر خرم آباد که از نظر اقتصادی جز طبقات محروم جامعه شهری هستند و چون در محدوده شهر قادر به اجاره بها و یا خرید خانه نیستند لذا در نقاط حاشیه شهر اقدام به احداث یا خرید سرپناهی نموده اند. ۲- خانوارهایی هستند که از روستاهای اطراف شهر خرم آباد یا روستاهای شهرهای همجوار بنا به شرایط اجتماعی و مشکلات اقتصادی از جمله نداشتن زمین و امکانات کشاورزی و نداشتن درآمد کافی و نیز جاذبه زندگی شهری از زادگاه و دیار خود کنده و به امید زندگی بهتر به این نقاط مهاجرت کرده اند و اکثر قریب به اتفاق خانوارهای حاشیه نشین از همین گروه هستند. ۳- گروه سوم که نسبت به گروه قبل تعداد کمتری هستند، خانوارهایی هستند که از استان های دیگر به علت نبود شغل مناسب در محل خود و وجود تعدادی از اقوام خود در محلات حاشیه ای شهر، به این مکان ها مهاجرت کرده و بر تعداد حاشیه نشینان و آسیب آفرینان اجتماع شهری می افزایند (اسمعیل نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۳). بنابراین این شهر نیز مانند بسیاری از شهرهای کشور با مشکل حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی مواجه می باشد. و حدود ۵/۹۲ درصد از کل محدوده قانونی شهر خرم آباد را بافت های حاشیه ای تشکیل می دهند. با توجه به مسائل و مشکلات مطرح شده در شهر خرم آباد و به دلیل نبود مطالعات پیشین در زمینه تحت بررسی، ضرورت سنجش شاخص های پایداری اجتماعی مسکن در این محدوده ضروری بود.

۶-۱- اطلاعات توصیفی پرسشنامه

جدول ۳: ویژگی های جامعه آماری صاحبان مسکن و اهالی (مأخذ: اطلاعات گردآورنده)

متغیر	فراوانی	نسبت از کل
جنس	زن	۱۴۰
	مرد	۳۶,۲۷
وضعیت تأهل	مجرد	۲۴۶
	متأهل	۳۹,۶۴
سن	۱۵-۲۵	۶۰,۳۶
	۲۶-۴۵ ساله	۶۶
	۴۶-۶۰ ساله	۱۷,۰۹
	بیشتر از ۶۰ ساله	۷۰,۱۲
تحصیلات	زیر دیپلم	۲۰,۴۶
	دیپلم و فوق دیپلم	۴
	لیسانس	۲۷
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۶,۴۲
		۴۳,۵۲
		۲۳,۰۵

متغیر	فراوانی	نسبت از کل
دولتی	۱۴۲	۳۶,۷۹
آزاد	۱۴۴	۳۷,۳۱
سایر (مغازهدار، نانوا، خیاط، بنا، نگهبان، راننده، تعمیرکار، مکانیک و ...)	۱۰۰	۲۵,۹۱

همان گونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می شود، از مجموعه پاسخگویان ۶۴ درصد را مردان تشکیل می دهند و ۳۶ درصد را نیز خانمها به خود اختصاص داده اند. همچنین در زمینه وضعیت تأهل افراد متأهل با ۶۰ درصد بیشترین گروه پاسخگویان را تشکیل می دهند. و افراد مجرد نیز ۴۰ درصد را به خود اختصاص داده اند. بر اساس سن پاسخگویان محدوده سنی ۲۶ تا ۴۵ سال با ۷۱ درصد از کل نمونه پاسخگویان بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده است و پس از آن رنج سنی ۴۶ تا ۶۰ سال با ۲۰ درصد بیشترین فراوانی را شامل می گردد. از نظر میزان تحصیلات نیز افراد با مدرک لیسانس با حدود ۴۴ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و پس از آن افراد با مدرک دیپلم و فوق دیپلم با ۲۶ درصد در مرتبه بعدی قرار دارد. وضعیت شغلی افراد نیز گویای آن بود که شاغلان در بخش آزاد و دولتی هر کدام با ۳۷ درصد بیشترین گروه پاسخگویان و بعد از آنان شاغلان بخش سایر که شامل نانوا، خیاط، بنا، تعمیرکار و ... می شدند، با ۲۶ درصد در مرتبه بعدی قرار داشتند.

جدول ۴: آزمون آماری تی تست تک نمونه ای (مأخذ: یافته های پژوهش)

One-Sample Statistics				
خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد نمونه ها	مجموع شاخص ها
.۰۱۷۴۸	.۳۴۳۵۱	۲,۹۱۲۷	۳۸۶	

جدول ۵: آزمون آماری تی تست تک نمونه ای (مأخذ: یافته های پژوهش)

One-Sample Test						
Test Value = 3						
	t	درجه آزادی	Sig. (سطح معناداری)	Mean Difference	99% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
مجموع شاخص ها	166.587	385	.000	2.91265	2.8674	2.9579

برای پاسخ به سوال اول تحقیق از آزمون T تک نمونه ای استفاده شده است. به این صورت که متوسط شاخص ها جهت محاسبه سطح استاندارد پایداری در نظر گرفته شده است و داده ها در هر یک از شاخص ها با این عدد سنجیده شده اند. این آزمون عموماً برای مقایسه میانگین های یک جامعه به کار می رود. بنابراین در این آزمون میانگین نمونه را با مقدار ۳ که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار دادیم. چنانچه میانگین هر کدام از عوامل بیشتر از مقدار ۳ باشد و دارای اختلاف معنی داری با این مقدار تعیین شده باشد ($P > .05$). نشان از این دارد که عامل مدنظر بر انتخاب استراتژی مناسب موثر است. همچنین آزمون T تک نمونه ای، فرض H_0 حاکی از مطلوبیت پایداری با عدد سه (حد متوسط پایداری) می باشد. و فرض H_1 حاکی از عدم مطلوبیت با حد متوسط پایداری است. در این صورت باید از مقادیر حد بالا و حد پایین استفاده کرد که:

هر گاه حد بالا و پایین مثبت باشند، میانگین از مقدار مشاهده شده بزرگتر است.

هر گاه حد بالا و پایین منفی باشند، میانگین از مقدار مشاهده شده کوچکتر است.

بنابراین به منظور بدست آوردن ارزیابی وضعیت پایداری اجتماعی مسکن شهر خرم آباد، میانگین پایداری شهر برابر با ۲/۹۱ بدست آمد. از طرفی از طرفی در پرسشنامه از طیف پنج گزینه ای لیکرت استفاده شد و رتبه های ۱ تا ۵ به پاسخها اختصاص یافت. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه نظری پاسخها به دست آمد و میانگین امتیاز پایداری اجتماعی به دست آمده با عدد ۳ مقایسه گردید. هر چه مقدار محاسبه شده برای پایداری از ۳ کوچکتر باشد، نشان از عدم پایداری و هر چه این مقدار بزرگتر باشد، وضعیت پایدارتر است. در واقع، میانگین پایداری در شهر خرم آباد با عدد ۳ اختلاف معنی داری ندارد. با این حال از وضعیت میانگین کمتر است. به عبارت دیگر یافته ها حاکی از آن است که ابعاد پایداری مسکن در بعد اجتماعی دارای شرایط پایدار نیستند. و توجه بیشتر به این شاخصها را می طلبد. و جا دارد حمایت بیشتری در راستای بهره مندی از این شاخصها صورت گیرد.

جدول ۶: آزمون آماری تی تست تک نمونه‌ای شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

One-Sample Test (Test Value = 3)						
شاخص‌های پایداری اجتماعی	مقدار T	درجه آزادی (Df)	سطح معناداری (Sig)	میانگین	حد بالا و پایین (فاصله اطمینان در سطح ۹۹ درصد)	
					پایین تر	بالا تر
قابلیت دسترسی	5.562	385	.000	3.1527	.0816	.2238
حس تعلق به مکان	-5.933	385	.000	2.8337	-.2389	-.0937
اعتماد اجتماعی	-7.436	385	.000	2.8198	-.2430	-.1175
امنیت	5.472	385	.000	3.1103	.0581	.1625
مشارکت اجتماعی	-1.784	385	.075	2.9607	-.0963	.0177
مسئولیت پذیری	6.017	385	.000	3.2114	.1204	.3024
عدالت	-19.921	385	.000	2.3834	-.6967	-.5365
میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی	-6.000	385	.000	2.8292	-.2445	-.0971

بدین ترتیب هر شاخص به صورت جداگانه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است که در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. با توجه به ارزیابی صورت گرفته می‌توان به نتایج زیر اشاره کرد:

در بین شاخص‌های پایداری اجتماعی در شاخص‌های قابلیت دسترسی، امنیت و مسئولیت پذیری بالاتر از حد نصاب و میانگین است. و نشان از وضعیت بهتر این شاخص و پایدار بودن هاست. اما شاخص‌های حس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، مسئولیت پذیری، عدالت و میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی کمتر از حد نصاب میانگین و ناپایدار تلقی می‌گردند. در خصوص اعتماد اجتماعی در سطح جامعه، هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط‌های اجتماعی بالاتر رود، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر می‌رود که در این زمینه با افزایش حس تعلق به مکان که باعث افزایش سلامت، امنیت و بسیاری دیگر از ویژگی‌های مطلوب می‌گردد می‌توان به این مهم دست یافت. بنابراین در توسعه‌های جدید شهری باید به سرزندگی، تنوع کاربری‌ها و هویت مکانی محلات مسکونی توجه بیشتری شود تا حس تعلق به اجتماع و محل سکونت افزایش یابد. در راستای پاسخ به سوال دوم تحقیق، از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است. بدین ترتیب برای همه ناحیه‌ها آزمون کروسکال والیس انجام شد تا مشخص شود که ناحیه‌های برخوردار از نظر شاخص پایداری اجتماعی، شهر خرم‌آباد کدام ناحیه‌ها هستند.

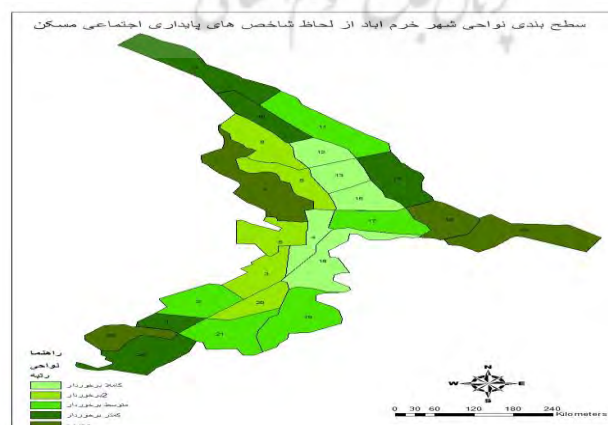
جدول ۷: آزمون کروسکال والیس (مأخذ: یافته‌های پژوهش)

مجموع	Rank		میانگین شاخص	تعداد	میانگین شاخص	تعداد
	ناحیه‌ها	تعداد				
	15	6	324.67	16	21	39.60
	21	14	160.18	24	18	122.19
	3	14	176.36	13	1	386.00
	1	15	100.20	5	25	278.88
	2	19	152.39	14	20	128.60
	7	15	66.13	8	31	232.08
	18	21	344.48	20	10	209.50
	10	19	139.00	19	22	198.93
	17	6	186.00	12	3	383.33
	4	18	319.14	3	2	273.50
	23	27	63.41	6	16	262.09
	22	19	68.95			
	9	24	112.33			
Total				386		

جدول ۸: تست آماری کروسکال والیس (مأخذ: نگارندگان)

تست آماری a,b	
مجموع	
Chi-Square	224.292
df	24
Asymp. Sig.	.000

این آزمون برای آزمودن برابری میانگین‌های جامعه‌های مختلف استفاده می‌شود؛ در تفسیر نتایج آن می‌توان به صورت زیر بیان نمود، جدول اول به نام Rank میانگین رتبه را در هر گروه ارائه می‌کند. اما برای تحلیل آزمون باید از جدول دوم آن استفاده نمود. که این جدول مقدار مربع کای درجه آزادی آن و P یا سطح معناداری آن را نشان می‌دهد. با توجه به sig بدست آمده که ۰۰۰،۰ و کمتر از ۰،۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر مبنی بر برابری پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد رد می‌گردد. به عبارت دیگر با اطمینان ۰،۹۹ درصد می‌توان گفت که وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد دارای تفاوت معناداری می‌باشد. در ادامه برای اینکه وضعیت هر ناحیه از لحاظ پایداری اجتماعی مسکن سنجیده شود و معلوم شود که کدام ناحیه وضعیت مطلوب‌تری دارند. می‌توان به میانگین رتبه‌ها در جدول اول (mean rank) مراجعه نمود. که با توجه به نتایج بدست آمده در ۵ گروه تقسیم بندی شده‌اند. با توجه اطلاعات میدانی بدست آمده، گروه اول که شامل نواحی ۴، ۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۱۸ می‌باشند، با توجه به داشتن امکانات رفاهی، خدمات و تجهیزات، امنیت، آسایش و تعلق خاطر کافی نسبت به محل زندگی و نزدیک بودن به زندگی شهری مدرن، مسکن امن و بادوام، دسترسی بیشتر کاربری‌های شهری، خدمات بهداشتی و درمانی و ... نیز قسمت‌هایی از فاز یک کیو، شیرخوارگاه و ناصر خسرو به دلیل نوساز بودن و مقاوم بودن در برابر بلایای طبیعی از وضعیت بهتری نسبت به سایر نواحی برخوردارند. به طور کلی می‌توان گفت این نواحی با توجه به دسترسی بهتر به امکانات و خدمات رفاهی نسبت به سایر نواحی وضعیت بهتر و در نتیجه از لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر نواحی را نشان می‌دهند. گروه دوم نواحی که از لحاظ برخورداری از شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن، برخوردار محسوب می‌شوند. در تعقیب گروه اول می‌باشد. و در چند سال آینده می‌توانند جزء مناطق خوب شهری قرار گیرند. از مهمترین فاکتور در این نواحی دسترسی هاست که به شکل مطلوبی ارائه می‌گردد. گروه سوم که شامل نواحی ۲، ۱۱، ۱۷، ۱۹ و ۲۱ می‌شوند. در سطح متوسطی از برخورداری قرار دارند؛ این نواحی دارای زندگی نسبتاً سستی، ساده و روابط عاطفی قوی می‌باشند. از لحاظ امکانات رفاهی و دسترسی‌ها نیز وضعیت تقریباً مطلوبی را دارا نمی‌باشند. گلدشت شرقی و غربی هر چند از لحاظ قدمت و عمر بناها نوساز هستند اما اکثر خانه‌ها در مقابل بلایای طبیعی دوام چندانی ندارند. و زیرساخت‌هایشان به خوبی بنا نشده است. همچنین بخش‌های از این مناطق چون کوروش و پشته حسین آباد دارای بافتی کاملاً قدیمی هستند. گروه چهارم که شامل نواحی ۱، ۹، ۱۰، ۱۴ و ۲۴ می‌باشند. هر چند دارای جمعیت کافی می‌باشند، اما از نظر خدمات و امکانات رفاهی، تفریحی و دسترسی به کاربری‌ها برخوردار نبوده‌اند. دسترسی‌ها در این مناطق به کندی صورت می‌گیرد. گروه پنجم شامل نواحی ۷، ۱۶، ۲۲ و ۲۳ می‌باشند. به دلیل نداشتن امکانات و تجهیزات حتی پایین‌تر از سطح مناطق گروه چهارم و در کل در حال توسعه بودن و در حال زاد بودن نسبت به سایر نواحی شهری قرار دارند. بنابراین نسبت به سایر نواحی بهره‌مندی محدودتری از لحاظ امکانات و خدمات را دارا می‌باشند. سطح بندی این نواحی به صورت گروه‌های پنج گانه ذکر شده در نقشه شماره ۲ ترسیم شده است.



نقشه ۲) سطح بندی نواحی شهری، شهر خرم‌آباد از لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن (مأخذ: ترسیم نگارندگان)

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مسائلی که به شدت توجه همگان را به خود معطوف داشته مسکن و توسعه پایدار آن است. در چنین استراتژی استفاده بهینه از منابع و امکانات، بدون تباهی آنها مدنظر قرار می‌گیرد. در این میان، نقش شهر و نواحی شهری به طور مستقیم، و شهرسازی و ساخت فیزیکی آن به طور غیر مستقیم و سهم آن‌ها در ناپایداری موجود، توجه جدی محافل علمی را به خود جلب کرده است. نکته مهمی که در اسناد مختلف بدان توجه شده است، اهمیت نقش اسکان پایدار و تأمین مسکن مناسب برای مردم در روند توسعه است. در پایداری اجتماعی واحدهای مسکونی مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می‌شود و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می‌یابند. در این میان شهر خرم آباد که در چند سال اخیر با افزایش بی‌رویه جمعیت روبرو گردیده است. دچار توسعه نامتقارن در ابعاد متفاوت گردیده که نتیجه آن عدم توجه به اصول معماری پایدار در ساخت و ساز و بالاخص در طراحی واحدهای مسکونی به وضوح قابل مشاهده و لمس است. بر این مبنای، هدف از این مطالعه، پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد است که سعی شده تا با توجه به گستردگی و پیچیدگی مفهوم مسکن بطور خاص و ویژه ای وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد مورد تحلیل قرار گیرد؛ تا از این رهیافت، به یک نوع سطح بندی پایداری اجتماعی مسکن در نواحی یاد شده منجر گردد زیرا با نگاهی اجمالی تر به بخش مسکن در این شهر می‌توان شاهد وجود شکاف قابل توجهی میان نواحی این شهر بود. و در آخر نیز می‌توان ناحیه‌های برخوردار و محروم را مشخص کرده و ناحیه برتر از لحاظ برخورداری از مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مسکن را مشخص نمود. با توجه به این‌که پژوهش حاضر به دنبال شناسایی شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم آباد است؛ با استفاده از اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای^۵ اسنادی و همچنین متون و مقالات علمی داخلی و خارجی به شناسایی و تعریف این شاخص‌ها پرداخته، همچنین جهت تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری، آزمون تی تک نمونه ای و آزمون کروسکال والیس استفاده شده است. در این تحقیق بر اساس مسئله پژوهش و جمعیت شهر خرم آباد در سال ۱۳۹۴ با توجه به نمونه‌گیری توسط مدل کوکران ۳۸۶ نمونه پرسشنامه در سطح شهر خرم آباد و به تفکیک نواحی توزیع شده است، بدین منظور، از هشت متغیر قابلیت دسترسی، حس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، امنیت، مشارکت اجتماعی، مسئولیت پذیری، عدالت، و میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی جهت بررسی پایداری بافت‌های مختلف شهر استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری این شاخص‌ها، با طرح گویه‌های متعدد، سطح پایداری اجتماعی در ناحیه‌های ۲۴ گانه شهر خرم آباد مورد بررسی قرار گرفته است. و دو سوال مبنی بر سنجش وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در شهر خرم آباد و نواحی آن مطرح گردید. که با توجه به اطلاعات بدست آمده از طریق پرسشنامه نتایج آزمون آماری تی تک نمونه‌ای حاکی از آن است که طبق خروجی موجود مقدار آماره‌ی آزمون t یک نمونه‌ای برابر با $t=166,5877$ و درجه آزادی آن برابر است با $df=385$ است. در این آزمون میانگین نمونه را با مقدار ۳ که مقدار متوسط در نظر گرفته شده است مورد مقایسه قرار گرفت. و چنانچه میانگین هر کدام از عوامل بیشتر از مقدار ۳ می‌شد؛ دارای اختلاف معنی داری با این مقدار تعیین شده بود ($P > .05$). بنابراین به منظور بدست آوردن ارزیابی وضعیت پایداری اجتماعی مسکن شهر خرم آباد، میانگین پایداری شهر برابر با $2/91$ بدست آمد. از طرفی از طرفی در پرسشنامه از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شد و رتبه‌های ۱ تا ۵ به پاسخ‌ها اختصاص یافت. بدین ترتیب عدد ۳ به عنوان میانه‌ی نظری پاسخ‌ها به دست آمد و میانگین امتیاز پایداری اجتماعی به دست آمده با عدد ۳ مقایسه گردید. هر چه مقدار محاسبه شده برای پایداری از ۳ کوچکتر باشد، نشان از عدم پایداری و هر چه این مقدار بزرگتر باشد، وضعیت پایدارتر است. در واقع، میانگین پایداری در شهر خرم آباد با عدد ۳ اختلاف معنی داری ندارد. با این حال از وضعیت میانگین کمتر است.

یافته‌ها حاکی از آن است که ابعاد پایداری مسکن در بعد اجتماعی دارای شرایط پایدار نیستند. و توجه بیشتر به این شاخص‌ها را می‌طلبد. و جا دارد حمایت بیشتری در راستای بهره‌مندی از این شاخص‌ها صورت گیرد. در ادامه نیز هر شاخص به صورت جداگانه نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. با توجه به ارزیابی صورت گرفته می‌توان به نتایج ذیل اشاره کرد: در بین شاخص‌های پایداری اجتماعی در شاخص‌های قابلیت دسترسی، امنیت و مسئولیت پذیری بالاتر از حد نصاب و میانگین است. و نشان از وضعیت بهتر این شاخص و پایدار بودن هاست. اما شاخص‌های حس تعلق به مکان، اعتماد اجتماعی، مسئولیت پذیری، عدالت و میزان رضایت از کیفیت واحد مسکونی کمتر از حد نصاب میانگین و ناپایدار تلقی می‌گردند. در خصوص اعتماد اجتماعی در سطح جامعه، هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط‌های اجتماعی بالاتر رود، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر می‌رود که در این زمینه با افزایش حس تعلق به مکان که باعث افزایش سلامت، امنیت و بسیاری دیگر از ویژگی‌های مطلوب می‌گردد می‌توان به این مهم دست یافت. بنابراین در توسعه‌های جدید شهری باید به سرزندگی، تنوع کاربری‌ها و هویت مکانی محلات مسکونی توجه بیشتری شود تا حس تعلق به اجتماع و محل سکونت افزایش یابد.

در راستای پاسخ به سوال دوم تحقیق، مبنی بر معنادار بودن اختلاف در پایداری اجتماعی مسکن نواحی شهری، از آزمون کروسکال والیس استفاده شده است. بدین ترتیب برای همه ناحیه‌ها آزمون کروسکال والیس انجام شد تا مشخص شود که ناحیه-

های برخوردار از نظر شاخص پایداری اجتماعی، شهر خرم‌آباد کدام ناحیه‌ها هستند. نتایج بدست آمده حاکی از آن بود که با توجه به sig بدست آمده که ۰۰۰،۰ و کمتر از ۰،۰۵ است می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر مبنی بر برابری پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم‌آباد رد می‌گردد. به عبارت دیگر با اطمینان ۰،۹۹ درصد می‌توان گفت که وضعیت پایداری اجتماعی مسکن در نواحی شهری خرم‌آباد دارای تفاوت معناداری می‌باشد. در ادامه برای اینکه وضعیت هر ناحیه از لحاظ پایداری اجتماعی مسکن سنجیده شود و معلوم شود که کدام ناحیه وضعیت مطلوب تری دارند. می‌توان به میانگین رتبه‌ها در جدول اول (mean rank) مراجعه نمود. که با توجه به نتایج بدست آمده در ۵ گروه تقسیم بندی شده‌اند. با توجه به میانگین بدست آمده از آزمون و اطلاعات میدانی، گروه اول با توجه به داشتن امکانات رفاهی، خدمات و تجهیزات، امنیت، آسایش و تعلق خاطر کافی نسبت به محل زندگی و نزدیک بودن به زندگی شهری مدرن، مسکن امن و بادوام، دسترسی بیشتر کاربری‌های شهری، خدمات بهداشتی و درمانی و ... نیز قسمت‌هایی از فاز یک کیو، شیرخوارگاه و ناصر خسرو به دلیل نوساز بودن و مقاوم بودن در برابر بلایای طبیعی از وضعیت بهتری نسبت به سایر نواحی برخوردارند. به طور کلی می‌توان گفت این نواحی با توجه به دسترسی بهتر به امکانات و خدمات رفاهی نسبت به سایر نواحی وضعیت بهتر و در نتیجه از لحاظ شاخص‌های پایداری اجتماعی وضعیت مطلوب‌تری نسبت به سایر نواحی را نشان می‌دهند. گروه دوم نواحی که از لحاظ برخورداری از شاخص‌های پایداری اجتماعی مسکن، برخوردار محسوب می‌شوند. در تعقیب گروه اول می‌باشد. و در چند سال آینده می‌توانند جزء مناطق خوب شهری قرار گیرند.

از مهمترین فاکتور در این نواحی دسترسی‌هاست که به شکل مطلوبی ارائه می‌گردد. گروه سوم در سطح متوسطی از برخورداری قرار دارند؛ این نواحی دارای زندگی نسبتاً سنتی، ساده و روابط عاطفی قوی می‌باشند. از لحاظ امکانات رفاهی و دسترسی‌ها نیز وضعیت تقریباً مطلوبی را دارا نمی‌باشند. گذشت شرقی و غربی هر چند از لحاظ قدمت و عمر بناها نوساز هستند اما اکثر خانه‌ها در مقابل بلایای طبیعی دوام چندانی ندارند. و زیرساخت‌هایشان به خوبی بنا نشده است. همچنین بخش‌های از این مناطق چون کوروش و پشته حسین آباد دارای بافتی کاملاً قدیمی هستند. گروه چهارم، هر چند دارای جمعیت کافی می‌باشند، اما از نظر خدمات و امکانات رفاهی، تفریحی و دسترسی به کاربری‌ها برخوردار نبوده‌اند. دسترسی‌ها در این مناطق به کندی صورت می‌گیرد. گروه پنجم به دلیل نداشتن امکانات و تجهیزات حتی پایین‌تر از سطح مناطق گروه چهارم و در کل در حال توسعه بودن و در حال زاد بودن نسبت به سایر نواحی شهری قرار دارند. بنابراین نسبت به سایر نواحی بهره‌مندی محدودتری از لحاظ امکانات و خدمات را دارا می‌باشند. پس به طور کلی بر اساس نتایج گفته شده و با توجه به ادبیات نظری موجود، مسکن چیزی بالاتر از سقفی بالای سر محسوب می‌شود. و سطوح بالای پایداری مسکن و بالاخص متغیرهای اجتماعی در افزایش کارایی و رضایتمندی ساکنان بسیار پراهمیت‌اند. چنانکه گروه اول دارای امکانات از هر لحاظ هستند. دسترسی‌ها، امنیت، تعلق خاطر بیشتر نسبت به محل سکونت خود، توزیع عادلانه کاربری‌ها و ... در این نواحی به خوبی نسبت به سایر نواحی صورت می‌گیرد. و گروه‌های بعدی از لحاظ امکانات و خدمات و ساخت و سازها نسبت به گروه اولدر رده‌های بعدی قرار دارند. و گروه آخر هم به دلایل ضعیف بودن از هر نوع امکانات در رده آخر قرار دارند.

در این زمینه پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌های آتی مسکن و همین‌طور در تلاش برای افزایش کارایی مسکن موجود، ابعاد پایداری اجتماعی مسکن به طور هم‌زمان مد نظر قرار گیرند، همچنین

- توزیع مناسب خدمات در زمینه‌های آموزشی، فرهنگی، ورزشی، درمانی، تجاری، تفریحی در کلیه نواحی
- توزیع مناسب فضاهای زیستی و کاربردهای مختلف با بهره‌برداری از زمین‌های شهری
- حفظ جمعیت نواحی از طریق ارتقای سرویس‌های خدماتی و ایجاد فضاهای امن با عملکردهای گوناگون.
- تقویت شاخص‌های پایدار در نواحی پایدار، و ناپایدار و نیمه پایدار.
- توجه به خصوصیات اجتماعی و فرهنگی منطقه در ساخت مسکن
- ایجاد برنامه‌های آموزشی شهروندی جهت مشارکت و تعامل همسایگان با یکدیگر
- افزایش رضایت ساکنان بوسیله ایجاد فضاهای عمومی مورد نیاز در مجتمع که موجب ارتباطات و تعامل در بین ساکنان می‌شود.

در نهایت هرگونه تلاش برای بهبود شاخص‌های اجتماعی مسکن می‌تواند در افزایش کارایی و کیفیت زندگی ساکنان بسیار موثر باشد. بنابراین حمایت بیشتری در راستای ارتقای این شاخص‌ها را می‌طلبید.

منابع

۱. اصغری جعفرآبادی، محمد، محمدی، سید مومنه (۱۳۹۳)، "سری آمار: روش‌های متداول ناپارامتری، مجله دیابت و متابولیسم ایران"، دوره ۱۴، شماره ۳، بهمن ° اسفند، ۱۶۲-۱۴۵.
۲. اسمعیل نژاد، مرتضی، ملکی، آفرین، باوقا، سمیه، صیادی، زهرا (۱۳۹۱)، "تحلیلی بر شاخص‌های کیفی مسکن در راستای امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین (نمونه: محله علی آباد در شهر خرم آباد)"، فصل نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، چشم‌انداز زاگرس، سال چهارم، شماره ۱۳، پاییز.
۳. بزلی، خدارحم، کیانی، اکبر، جواهری، عباس (۱۳۹۱)، "ارزیابی شاخص‌های پایداری محله‌های مسکونی (شهر مأمونیه ° استان مرکزی)"، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۷، شماره چهارم، زمستان.
۴. بسحاق، محمدرضا، سالاروند، اسماعیل، تبریزی، جلال (۱۳۹۳)، "تحلیلی بر شاخص‌های پایداری مسکن در مناطق روستایی (دهستان سیلاخور شرقی- شهرستان ازنا)"، جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۵، پیاپی ۵۴، شماره ۲، تابستان.
۵. بسحاق، محمدرضا، صیدائی، اسکندر، جمینی، داود (۱۳۹۱)، "تحلیلی بر پایداری اجتماعی مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ازنا)"، برنامه ریزی منطقه‌ای، سال دوم، شماره پنجم، بهار.
۶. پور طاهری، مهدی، حمدا... سجاسی قیداری، صادقلو، طاهره (۱۳۸۹)، "سنجش و اولویت بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک رتبه بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل فازی"، مجله مدرس، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۷. جمالیان، مظفر، ثقفی، علی (۱۳۹۱)، "بررسی تأثیر پارازیت اطلاعاتی افشا شده در گزارش‌گری مالی بر ریسک و بازدهی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۶۷، بهار، ۵۴-۳۱.
۸. جمعه‌پور، محمود، ابراهیمی، اکبر (۱۳۹۴)، "سنجش و ارزیابی پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی"، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال پنجم، شماره شانزدهم، پاییز.
۹. جوادی، اردشیر (۱۳۷۸)، "بررسی امکان‌پذیری توسعه فضایی مسکن در ناحیه مرکزی شهرها، نمونه موردی: شهر تبریز"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. سرحانی، فائده، یزدانی، محمد حسن و امانپور، سعید (۱۳۹۵)، "بررسی نظریه‌های پایدار اجتماعی مسکن"، اولین همایش بین المللی مخاطرات طبیعی و بحران‌های زیست محیطی ایران، راهکارها و چالش‌ها، شهریور.
۱۱. سلطانی، یزدان، علیخانی، شادی (۱۳۹۳)، "کیفیت سنجی پایداری در مساکن ارزان قیمت (نمونه موردی: مسکن مهر دولت آباد - کرمانشاه)"، کنفرانس مهندسی عمران، معماری و مدیریت پایدار شهری، گرگان، تیرماه.
۱۲. سیف‌الدینی، فرانک، زیاری، کرامت الله، عظیمی، آزاده (۱۳۹۲)، "تحلیل شکاف جغرافیایی کیفیت مسکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران"، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۹، ۲۱۲-۲۳۳.
۱۳. صمیمی فر، فاطمه، حمزه نژاد، مهدی (۱۳۹۱)، "استخراج اصول شکل دهنده‌ی پایداری اجتماعی در محلات مسکون بر اساس اخلاق اسلامی"، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی ° اسلامی، مشهد.
۱۴. ضرغامی، اسماعیل (۱۳۸۹)، "اصول پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در شهرهای ایرانی ° اسلامی"، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دو، زمستان.
۱۵. طهماسبی، فرخ (۱۳۹۱)، "نقش فضاهای عمومی در پایداری اجتماعی شهر: نمونه موردی منطقه ۱۱ شهرداری تهران با تأکید بر پارک دانشجو"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۶. قادر مرزی، حامد، جمینی، داود، جمشیدی، علیرضا، چراغی، رامین (۱۳۹۲)، "تحلیل نابرابری شاخص‌های مسکن در مناطق روستایی استان کرمانشاه"، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال دوم، شماره اول (پیاپی ۳)، صص ۹۳-۱۱۳.
۱۷. کریمی، رامین (۱۳۹۴)، "راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS"، تهران، نشر هنگام.
۱۸. کولیوند، حجت الله (۱۳۹۰)، "تحلیل ساختار فضایی محله شهری بر مبنای توسعه پایدار اجتماع مورد مطالعه: محله دارآباد تهران"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۹. کیانی، فاطمه (۱۳۹۲)، "شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر توسعه پایدار مسکن در نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان کرج)"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، شهریور.
۲۰. گروسی، علیرضا (۱۳۹۵)، "تحلیل شاخص‌های کیفی مسکن در نواحی شهری نظرآباد"، پایان‌نامه درجه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
۲۱. گلاب‌چی، محمود، خلعتبری، رامین، فاضل، علی‌رضا (۱۳۹۲)، "مشارکت بهره‌برداران در فرایند طراحی، زمینه‌ساز تحقق پایداری اجتماعی مسکن انبوه در ایران"، نمونه موردی: مسکن شهرک صنعتی پرند، مدیریت شهری، شماره ۳۵، تابستان.

۲۲. مسعودی‌راد، ماندانا، ابراهیم زاده، عیسی، رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۴)، "سنجش پایداری مسکن در سیاست های اجتماعی ایران (مطالعه موردی: مسکن استیجاری هزار دستگاه شهر خرم آباد)", پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره ۳، شماره ۴، زمستان.
۲۳. نایی، هوشنگ (۱۳۸۸)، "آمار توصیفی برای علوم اجتماعی"، انتشارات سمت، تهران.
۲۴. نصیری، رسول (۱۳۸۸)، "آموزش گام به گام spss"، انتشارات نشر گستر، چاپ دوم، پاییز.
۲۵. یارمرادی، کیومرث (۱۳۹۴)، "تحلیل پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی منطقه ۲۲ تهران"، پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری - محیط زیست شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۶. یوسف زاده بکاولی، مینا، صباغ پور، آرزو (۱۳۹۵)، "بررسی عوامل موثر بر پایداری اجتماعی و نقش آن در طراحی توسعه پایدار"، چهارمین همایش ملی فن آوری های نوین صنعت ساختمان توسعه پایدار و فن آوری های ساختمانی، بهمن.
27. Al - Hagla, k. (2009). Towards a sustainable neighbourhood the role of open spaces. *Journal of Architectural Research*.
28. Bonnefoy, X. (2007). Inadequate housing and health: an overview. *International Journal of Environment and Pollution*, 30(3-4), 411-429.
29. Charles, L. (2007): Choguill, The search for policies to support sustainable housing, *Journal of Habitant International*, 31, 143-149
30. Easthope, H. Liu, E. Judd, B. & Burnley, I. (2015). Feeling at home in a multigenerational household: The importance of control. *Housing, Theory and Society*, 32(2), 151-170.
31. Ha, M. and Weber, M. J. (1991). The Determinants of Residential Environmental Qualities and Satisfaction: Effects of Financing, Housing Programs, and Housing Regulations. *Housing and Society*, Vol18.No3, pp65-76
32. Kim, C,W. Phipps, T. & Anselin, L, (2003). Measuring the benefits of air quality improvement: A spatial hedonic approach, *Management*, vol.No45,pp 24-39.
33. Mohit, M. A. (2010). Assessment of Residential Satisfaction in Newly Designed Public Low-Cost Housing in Kuala Lumpur, Malaysia. *Habitat International*, Vol34, 18° 27.
34. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, The Right to Adequate Housing, Fact Sheet No. 21/Rev.1, Reprinted at United Nations, Geneva, 2014.
35. Oktay, M. and Orcunoglu, H. (2007). Evaluation of Traditional and Recent
36. Sendich, B. (2006): *Planning and Urban Standard*, Routledge, Newgersy.
37. Un-Habitat, *World Cities Report*, 2016
38. Sendich, B. (2006) *Planning and Urban Standard*, Routledge, Newgersy.
39. Knox, Paul, Pinch, Steven (2000) *Urban Social Geography*, Prentice Hall, fourth edition, Southampton, England
40. Assefa, G, & Frostel, B (2007) *Social Sustainability and Social Acceptance in Technology Assessment; A case Study of Energy Technology*, insocity, No. 29, pp. 63
41. Bourne, L, S. (1981); "A Geography of Housing", Blackwell Publishing, New York, p 14.
42. Cater, J. and Trevor. (1980); "Social Geograraphy", Routledge, London.
43. Mahbubur, Mohammed (2002). *Bastee Eviction and Housing Rights: A case of Dhaka Bangladesh*. Blackwell City Reader
44. Westaway, Margaret S., 2006, *A Longitudinal Investigation of Satisfaction with Personal and Environmental Quality of Llife in an Informal South African Housing Settlement*, Doornkop, Soweto. *Habitat International*, Vol. 30.